

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیکار پامیر

۲۹.۰۴.۱۰

انتخابات پارلمانی در یک کشور اشغال شده

شما خواننده های گرامی مطلع هستید که باز، سرو صدای انتخابات پارلمانی و پیوست بدان، تعیین کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات، ثبت نام نامزد ها و تبلیغات مربوط به آن در افغانستان به راه افتاده است. به راه اندازی این سر و صدا ها، یکبار دیگر، فضای مکرر و فریبنده ای را در فضای سیاسی کشور بار آورده عده ای از شارلتان ها، مزدوران بیگانه و معامله گران ضد منافع ملی از این مدرک به نان و نوا خواهند رسید و مردم مغبون و جفا دیده ما یکبار دیگر بازنده میدان اینهمه بازیها خواهند بود.

تدویر پروسه انتخاباتی، سهم گیری مردم در این پروسه و بالاخره موجودیت پارلمان یا قوه مقننه در یک کشور آزاد و مستقل، از زمره ارکان عمده و سه گانه نظام دموکراسی های نوع غربی است و موجودیت چنین نظام سیاسی در یک کشور مستقل تداعی کننده این مطلب است که در همچو یک کشور، افکار و اندیشه دموکراتیک، ظرفیت و راهکار های دموکراسی جا افتاده و فاصله دیرینه و مخاصمت برانگیز میان دولت – ملت تا حدود زیادی از میان برداشته شده است. به همین اساس، پروسه انتخاباتی در تحت شرایط و حاکمیت نظام دموکراسی، (صرف نظر از استثنا ها)، چندان مضحک، رسوا آمیز و آکنده از ترفند های سیاسی نمیباشد. بنابراین، عملیه رأی دهی و رأی گیری در پرتو فهم سیاسی و با برخورداری از حقوق فردی، مدنی و اجتماعی لازم انجام داده میشود، همانطور که در چهارچوب چنین نظامی، یک عنصر نا کاره، نا باب و نا پسند هرگز جرأت نمیکند نامزدی خودش به نمایندگی مردم را با بی حیایی اعلام نماید، (آنچه که در افغانستان صورت گرفته و هنوز هم صورت می گیرد). در جامعه دموکراتیک، مردم نیز سعی به خرچ میدهند در یک فضای امن، مطمئن و شفاف، رأی شان را برای نامزد یا نامزدان معقول، آگاه، دلسوز، تحصیلکرده و کاردان اعطاء نمایند.

ولی این قضیه ی مهم در افغانستان کنونی به چه منوال است ؟

علاوه از آنکه در افغانستان متأسفانه سطح آگاهی سیاسی خیلی نازل بوده بالای بیسوادی و فقر مطلق بیداد میکند، این کشور در چنگال تروریسم جنایت آفرین، جانپان ضد انسان و ضد حقوق بشر، شرارت های مذهبی، مافیای قدرت و مواد مخدر، فساد مالی و اداری، جنگ و نا امنی هم گیر کرده و این کشور عملاً در اشغال نظام جهان سرمایه

قرار گرفته است. پس باید پدیده پارلمان، پروسه انتخابات، نامزد ها، رأی دهی و رأی خواهان سیاسی در افغانستان کنونی را در چهار چوب حالت اشغال کشور یا در تحت شرایط سنگین استعماری به بررسی گرفت.

حال، وقتی حامد کرزی داد و فریاد به راه انداخته میگوید که " خارجی ها در انتخابات گذشته دخالت کردند" و یا اظهار میدارد که " خارجی ها میخواهند ما را غلام بسازند"، باید گفت که حافظه و دماغش خلل برداشته، در غیر آن، کرزی نباید فراموش کند که همین خارجی ها بودند که او را از ماورای سرحد به داخل افغانستان گسیل کردند، خارجی ها بودند که وی را در کنفرانس بن بحیث رئیس جمهور پس از سقوط امارت طالبان اعلام نمودند، خارجی ها بودند و هستند که حتی قرطاسیه مورد نیاز دفتر ریاست جمهوری، حقوق و مصارف خودش و حکومتش را پرداخته و هنوز هم میپردازند و بالاخره همین خارجی هستند که اداره کرزی وجود دارد. یا به عبارت دیگر، بقای حکومت کرزی در موجودیت نیرو های اشغالگر گره خورده در واقع، لازم و ملزوم همدیگر اند. پس، دخالت کردن خارجی ها در امور دولتی و سرنوشت ملی مردم افغانستان امری مشهود و انکار نا پذیر است و ندبه و گله حامد کرزی هم بیجا، تاکتیکی و فریبنده میباشد.

بالین شرح مختصر، آیا باز هم هنگامه مکرر مثلاً تعیین کمیسیون انتخاباتی و امید بستن به وجود نامزد های شایسته و بر خور داری از یک پارلمان حقیقی، کارا، ملی و مردمی در افغانستان سخت آزار دهنده و دور از واقعیت های موجود جامعه افغانی خواهد بود؟

گوشه ای دیگر این موضوع را نیز باید دید و باید گفت و آن اینکه گیریم در سال آینده معجزه ای صورت بگیرد و یک پارلمان سالم، کارا و دلسوز به وجود بیاید، باز هم در حالیکه کشور در اشغال و در اسارت چندین کشور سرمایه داری جهان قرار داشته و هر کدام از این کشور ها نظر، برنامه و منافع خاص خود شان را در افغانستان امروزی تعقیب میکند، همچو پارلمان قادر خواهد بود قوانین ملی، انسانی، دموکراتیک و استقلال طلبانه را برای مردم شان به تصویب برساند؟ آیا این پارلمان، جرأت خواهد داشت به ایالات متحده اخطار داده و ادارش سازد تا سر بازانش را از افغانستان فرا خواند؟

پس چنین نتیجه باید گرفت که تا اولاً در افغانستان، آگاهی سیاسی، وحدت واقعی ملی، تحرکات مثبت و سازنده رهایی جوینانه و مبارزات روشنگرانه و استقلال طلبانه سراسری به راه نیفتد، نهاد های دموکراتیک و متری احياء نشوند، ادارات دولتی و ارگانهای کشوری از وجود جوایس همسایه ها و متحدان آنها، جنایتکاران جنگی، مافیای قدرت و مواد مخدر تصفیه نگردد، دست طالبی و تنظیمی از سرنوشت ملی ما کوتاه نشود و یک دولت ملی، مقتدر و مردمی ایجاد نگردد، نه انتخابات ما سالم و دموکراتیک خواهد بود و نه چنان پارلمان به درد ما خواهد خورد و نه شخصیت های وطنپرست واقعی چانس انتخاب شدن در چنین پارلمانی را خواهند داشت.

بنابراین، همانطور که در موقع انتخابات ریاست جمهوری افغانستان صراحتاً گفته بودیم که این هنگامه ها و سر و صدا ها کاملاً میان خالی، فریبنده و دور از منافع ملی ماست، اکنون نیز با وضاحت میگوئیم که نه کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات میتواند کاری به نفع اکثریت مردم افغانستان انجام دهد و نه پارلمان آینده مورد تأیید و توجه عامه آن سر زمین قرار خواهد داشت.

غنچه ی ما بر تغافل تا کجا چینه بساط می رسد آواز پای رفتن رنگش زد

به آرزوی یک افغانستان آزاد و مستقل و به امید ایجاد یک دولت ملی و مردمی در افغانستان عزیز !